فاطمه عرفانیان | جوان

گفت‌وگوی جوان با لیلا رجبی، ملی‌پوش بلاروسی‌الاصل دوومیدانی ایران و دارنده مدال نقره بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴

مسابقه با حجاب افتخار من است

سعید احمدیان

یک ماه بعد از کسب مدال نقره رشته پرتاب وزنه بازی‌های آسیایی، در یکی از روزهای پاییزی به دفتر روزنامه آمد، ساده و صمیمی و خوش قول بود. ساعت ۲ بعدازظهر قرارمان در دفتر روزنامه بود و او بعد از بازگشت از تمرین صبح میهمانمان بود. اولین بانوی مدال‌آور تاریخ دوومیدانی ایران در بازی‌های آسیایی وقتی نام ایران را به زبان می‌آورد با چنان تعصبی آن را می‌گوید که انگار متولد کشورمان است. تاتسیانا ایلیوشچانکا دیروز و لیلا رجبی امروز از انتخاب ایران به واسطه ازدواجش با یک دوومیدانی کار ایرانی پشیمان نیست. او سال ۸۶ بعد از آشنایی با پیمان رجبی ملی‌پوش دوومیدانی کشورمان در اردوی بلاروس، با او ازدواج کرد و پس از مسلمان شدن نامش را تغییر داد و برای زندگی به ایران آمد و تا امروز که هفت سال از زندگی‌اش در ایران می‌گذرد برای تیم ملی دوومیدانی ایران در رقابت‌های مختلف آسیایی و المپیک مسابقه داده است. رجبی پیش از قبول تابعیت ایرانی، برای کشور زادگاهش مقام‌های نایب قهرمانی سال ۲۰۰۵ پرتاب وزنه باشگاه‌های اروپا در پرتغال و نفر چهارم جوانان جهان در جامائیکا را به دست آورده بود. رجبی سال ۲۰۰۹ در هجدهمین دوره رقابت‌های دوومیدانی قهرمانی آسیا به میزبانی گوانگژو، اولین مدال ایران را گرفت و در پرتاب وزنه روی سکوی سوم ایستاد. رجبی همچنین در بازی‌های آسیایی داخل سالن ۲۰۰۹ هانوی و قهرمانی دوومیدانی داخل سالن آسیا ۲۰۱۰ تهران مدال طلا را برای تیم ایران به دست آورده است. رجبی نماینده ایران در رشته پرتاب وزنه در بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ هم لندن بود. نقره بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ در اینچئون هم آخرین مدالی است که او برای ایران به ارمغان آورده است. با رجبی در یک ساعتی که میهمانمان بود از هر دری صحبت کردیم.

اگر در اینچئون مدال نمی‌گرفتم خودم را نمی‌بخشیدم

با نقره‌ای که در اینچئون گرفتید شما اولین بانوی مدال آور تاریخ دوومیدانی در بازی‌های آسیایی هستید، حتماً احساس فوق‌العاده‌ای دارید؟

باور نمی‌کردم که به مدال رسیده‌ام. به خاطر اینکه قبل از شروع مسابقات آسیب دیدگی داشتم و به همین خاطر پیش‌بینی نمی‌کردم که بتوانم نتیجه خوبی در اینچئون به دست بیاورم. هم زمستان گذشته نتوانستم خوب تمرین کنم و هم قبل از مسابقات چند مصدومیت داشتم که باعث شد تا با تردید راهی بازی‌های آسیایی شوم. اما حالا خیلی خوشحالم که با تمام این مشکلات توانستم اولین مدال را کسب کنم، مدالی که برای آن خیلی تمرین کردم و زحمت کشیدم. فدراسیون دوومیدانی هم خیلی از من حمایت کرد و پشت من بود.

پس از گرفتن مدال نقره به نوعی غافلگیر شده‌اید؟

هدف من مدال گرفتن بود، با توجه به اینکه در رنکینگ آسیا و رکوردی که داشتم فکر می‌کردم برنز بگیرم اما نتیجه‌ای که به دست آوردم بالاتر از پیش‌بینی‌ام بود و این خوشحالی‌ام را بیشتر کرد. این مدال خیلی چسبید و می‌توانم بگویم با ارزش‌ترین مدالم بود. در بازی‌های دوومیدانی داخل سالن و بیرون مدال‌های زیادی دارم اما مدال بازی‌های آسیایی چیز دیگری بود. چون هر چهار سال برگزار می‌شود.

در اینچئون گفته بودید، اگر مدال نمی‌گرفتید به دهکده ورزشکاران بر نمی‌گشتید!

منظورم این بود که خیلی شرمنده می‌شدم. چون با توجه به هزینه‌هایی که برای من شده بود و همچنین انتظاراتی که از من بود باید مدال می‌گرفتم. خودم هم خیلی زحمت کشیده بودم و اگر مدال نمی‌گرفتم تقصیر خودم بود. چون همه چیز برای مدال گرفتن من آماده بود.

در راه رسیدن به این موفقیت، اینکه بدون مربی در ایران تمرین می‌کنید هم به نظر می‌رسد یک سد بزرگ برای شما بود.

من کلاً در ایران بدون مربی تمرین می‌کنم. آسیب‌دیدگی‌هایی که دارم به خاطر نداشتن مربی است. مثلاً جایی نباید تمرینات پر فشار انجام دهم اما فشار می‌آورم و مصدوم می‌شوم. چون ورزشکار خودش نمی‌تواند برنامه‌ریزی درستی داشته باشد. رشته پرتاب وزنه یک رشته تکنیکی است که اگر مربی نداشته باشید نمی‌توانید ایرادات تکنیکی‌تان را برطرف کنید و همین باعث می‌شود تا نتوانید پرتابی که می‌خواهید را انجام دهید.

با این مصائب اما در بازی‌های آسیایی توانستید موفق ظاهر شوید.

البته امسال برای اینکه به آمادگی بهتر برسم با هماهنگی فدراسیون چهار ماه و نیم در بلاروس زیر نظر مربی کار کردم که خیلی به من کمک کرد. چند ماه مانده به مسابقات رسیدگی خوب و بیشتر بود و اردوها و تدارک خوبی داشتم. البته این مشکل است. چون ورزشکاری که می‌خواهد چهار ماه قبل از مسابقات با مربی کار کند و آماده مسابقات شود، این زمان کوتاهی است. چون اگر بخواهید تمام سیستم و تمرینات را تغییر دهید و تکنیک را تغییر بدهید یکی دو سال طول می‌کشد اما در این فرصت کوتاه خیلی سخت است و نمی‌توان کاری کرد. البته این را هم بگویم که کار کردن با یک مربی آن هم در یک زمان کوتاه ضرر هم دارد. چون من وقت کافی برای یادگرفتن سیستم مربی را ندارم مجبورم دوباره به سیستمی که قبلا با آن تمرین می‌کردم برگردم و این باعث می‌شود زمان را هم از دست بدهم. برای اینکه با مربی کار کنید که نتیجه بگیرید باید یک سال تا یک سال و نیم با یک مربی کار کنید تا سیستم و تکنیکی که مدنظر این مربی است را یاد بگیرید.

فدراسیون به دنبال حل کردن مشکل مربی‌تان در داخل ایران نیست؟

فدراسیون مشکل مالی دارد. همچنین با توجه به اینکه رکورد من بالاست باید با مربیان برجسته و سطح بالا کار کنم. من باید با مربی خانم در ایران تمرین کنم و در سطح جهان ۳ یا ۴ مربی پرتاب وزنه خانم که مطرح و سطح بالا باشند هستند که به خاطر مشکلات خانوادگی و همچنین مبلغ کم پیشنهادی قبول نمی‌کنند به اینجا بیایند.

با این مشکلات کنار آمده‌اید؟

من اینجا هفت سال است تمرین می‌کنم. اگر خودم کار نکنم و برنامه‌ریزی نکنم به جایی نمی‌رسم. فدراسیون کمک می‌کند اما خود ورزشکار هم باید تلاش زیادی کند. در این سال‌ها همیشه به این مشکلات اشاره کرده‌ام و اگر کسی می‌خواست کاری انجام بدهد مطمئناً در این سال‌ها انجام می‌داد. نمی‌شود گفت کاری نکردند در حد توان انجام دادند، اما این مشکلات نه تنها برای من، بلکه برای همه بچه‌های دوومیدانی هست. احسان که نقره المپیک را دارد هم مشکل دارد. اردوهای دو، سه ماهه می‌رود و برمی‌گردد. به خاطر این مشکلات و اینکه نمی‌تواند در داخل ایران با مربی خوبی تمرین کند نمی‌تواند رکوردش را تکرار کند. چون باید با مربی خوبی تمرین کند و اردوهای بیشتری داشته باشد و وقتی اینها بر آورده نمی‌شود او هم نمی‌تواند به هدفش برسد.

این سختی‌ها به قدری بود که سال ۲۰۰۹ در مسابقات قهرمانی آسیا بعد از گرفتن مدال طلا گریه کردید.

خب به خاطر سختی‌های زیادی بود که قبل از مسابقات با آن درگیر بوده و آماده این بازی‌ها شده بودم. وقتی اینها جلوی چشمم آمد گریه کردم و البته اولین مدال طلایم برای ایران هم بود.

بی توجهی‌ها به رشته‌ای مانند دوومیدانی در حالی است که برای فوتبال میلیاردی هزینه می‌شود، اما شما با کمترین امکانات و هزینه مدال می‌گیرید!

می‌خواهم خاطره‌ای در این باره بگویم. وقتی با مترو رفت و آمد می‌کنم و مردم من را می‌بینند تعجب می‌کنند من که ورزشکار هستم چرا سوار مترو شده‌ام. فکر می‌کنند همه ورزشکاران مثل فوتبالیست‌ها میلیاردر هستند، در صورتی که رشته‌های دیگر اینطور نیستند. حرف ما این است که به ورزش‌های دیگر هم مانند فوتبال توجه کنند. به عنوان نمونه بچه کوچکی که استعداد دارد و می‌خواهد روزی مانند احسان حدادی شود باید به او توجه شود و روی او سرمایه گذاری کرد اما متأسفانه هیچ رسیدگی نه به تیم‌های پایه و نه به ما که بزرگسالان هستیم نمی‌شود. اگر اندازه دو قرارداد یک فوتبالیست به فدراسیون دوومیدانی بودجه می‌دادند ما به جای دو مدال می‌توانستیم ۱۰، ۱۵ مدال بگیریم.

و این آزاردهنده و ناراحت‌کننده نیست؟

بله، صدرصد، من برای خودم نمی‌گویم و این حرف دل همه ورزشکاران رشته‌های غیر فوتبالی است.

این مشکلات دلسردتان نکرده است؟

یک جایی کم بیاورید و بگویید وقتی برای مسئولان مدال گرفتنم مهم نیست، من هم بی‌خیال شوم!

این بستگی به خود آدم دارد. چون یک هدف دارم و دنبال هدف هستم، مجبورم تمرین کنم اما بعضی اوقات دلسرد می‌شوم ولی به خاطر هدفم که رسیدن به مدال و افتخار است دوباره به تمرینات برمی‌گردم. همه ورزشکاران آرزو دارند در المپیک مدال بگیرند شاید نرسم اما تلاش خودم را می‌کنم. اعتقاد دارم ورزشکار باید تلاش خود را به کار بگیرد تا بعد از مسابقه پشیمان نشود که تمام سعی‌اش را نکرده است و حسرت نخورد.

با این اراده می‌توان گفت اگر امکانات و مربی خوبی داشته باشید می‌توانید حتی برای ایران مدال المپیک را هم بگیرید؟

موفقیت بستگی به رسیدگی و اردوهای خوب دارد. ورودی المپیک را می‌توانم بگیرم. موفقیت در خود المپیک بستگی به اردوها و تمریناتی دارد که انجام می‌دهم. اگر بتوانم زیر نظر یک مربی خوب در ایران کار کنم می‌توانم قول دهم که نتیجه بهتری بگیرم ولی وقتی چیزی نیست نمی‌شود قول داد که مثلاً مدال المپیک را بگیرم. زمان کوتاهی یعنی تنها دو سال باقی مانده است. اگر برنامه‌ریزی باشد می‌شود گفت شاید بشود اما اگر مثل همیشه شرایط این باشد هیچ قولی نمی‌توانم بدهم.

آیا فدراسیون از شما برنامه‌ای برای المپیک برزیل خواسته تا حداقل این زمان باقیمانده از دست نرود؟

هیچ برنامه‌ای از من نخواسته‌اند و متأسفانه سیستم در ایران طوری است که چند ماه به مسابقات به یاد ورزشکار می‌افتند اما در کشورهای دیگر چهار سال برای رسیدن به مدال المپیک برنامه‌ریزی و تمرین می‌کنند. با این وجود خودم به فکر سال دیگر هستم و تمرین می‌کنم که عقب نیفتم تا خودم را برای مسابقات سال آینده آماده کنم.

این بی توجهی‌ها پشیمانتان نکرده است؟

خیلی‌ها می‌گویند به جای دیگری می‌رفتید بهتر بود اما من پشیمان نیستم. من به ایران نیامدم که شرایط و امکاناتم بهتر شود. برای پول تابعیتم را عوض نکرده‌ام. شاید به هدفم نرسیده‌ام اما این باعث نشده تا لحظه‌ای احساس کنم که تصمیم اشتباهی گرفته‌ام.

> **هفت سال است اینجا تمرین می‌کنم. اگر خودم کار نکنم و برنامه‌ریزی نکنم به جایی نمی‌رسم. در این سال‌ها همیشه به این مشکلات اشاره کرده‌ام و اگر کسی می‌خواست کاری انجام بدهد مطمئناً در این سال‌ها انجام می‌داد**

تصویر ایران آن چیزی نیست که غرب نشان می‌دهد

به هفت سال پیش برگردیم به آشنایی‌تان با پیمان رجبی و ازدواج با او، اتفاقی که باعث شد مسیر زندگی‌تان عوض شود. آیا قبل از این اتفاق درباره ایران شناختی داشتید؟

در مدارس و کتاب‌های تاریخ و جغرافیا درباره ایران چیزهایی خوانده بودم اما اطلاعاتم خیلی محدود بود.

خودتان بهتر می‌دانید که در غرب تصویر سیاهی از ایران ارائه می‌شود، شما هم قبل از آمدن به ایران، چنین تصویری در ذهن داشتید؟ تصویر کشوری که مردمانش هنوز با شتر رفت‌وآمد می‌کنند!

بله، چون زیاد اطلاعات نداشتم. اما بعد از آنکه دنبال اطلاعات رفتم و تاریخ ایران را مطالعه کردم نظرم عوض شد. متأسفانه خیلی‌ها در غرب هستند که فرق ایران با عراق و افغانستان را نمی‌دانند. مثلاً بعضی‌ها هنوز هم وقتی به بلاروس می‌روم و از ایران حرف می‌زنم فکر می‌کنند ایران یک کشور جهان سومی است. فکر می‌کنند زن هیچ حقوقی ندارد. اولین بار که به بلاروس برگشتم به هیئت دوومیدانی استان زادگاهم رفتم، از من می‌پرسیدند آنجا برده شده‌ام! در صورتی که اینطور نیست. ورزشکاران بلاروسی که به ایران می‌آیند نظرشان عوض می‌شود. چون ایران آن چیزی نیست که فکر می‌کرده‌اند. خیلی با آنها به خوبی رفتار می‌شود و دوست دارند دوباره به ایران سفر کنند.

امروز لیلا رجبی بعد از هفت سال زندگی در ایران، ایران را چطور کشوری می‌بیند؟

شاید به خاطر تحریم مشکلاتی در کشور وجود داشته باشد اما ایران با خیلی از کشورها فرق می‌کند. در مجموع ایران کشور خوبی است الان هم در حالی در تهران زندگی می‌کنم که ابتدای آمدنم به ایران یک سال در بوشهر زندگی کردم. مردم خونگرمی داشت. با توجه به اینکه هوای خیلی گرمی داشت و امکاناتی برای ورزش خانم‌ها وجود نداشت و من مجبور بودم پشت یک سالن تمرین کنم تصمیم گرفتم به تهران بیایم. مردم ایران خیلی خوب هستند. مردم در خیابان وقتی من را می‌بینند اظهار لطف دارند و به خاطر مدالم تبریک می‌گویند و برای من در مسابقات آینده آرزوی موفقیت می‌کنند. طبیعت ایران را هم خیلی دوست دارم. تمام شهرهای ایران را نرفته‌ام اما شهرهایی که رفته‌ام خیلی زیبا هستند. به اصفهان، شیراز، تبریز، ارومیه و... سفر کرده‌ام که بین این شهرها شیراز و اصفهان خیلی زیبا هستند.

حالا اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین مردم ایران و بلاروس زادگاهتان انجام دهید، چه پاسخی به ما می‌دهید؟

مردهای ایرانی نسبت به مردان بلاروسی بهتر و خانواده دوست‌تر هستند. رفتار مردم ایران گرم‌تر است اما همسرم به بلاروس می‌رود ناراحت می‌شود چون مردم آنجا رفتار متفاوت و سردی دارند اما در ایران اینطور نیست. مثلاً بیرون یا به سوپرمارکت می‌روید همه سلام می‌کنند، احوالپرسی می‌کنند و برخورد گرمی با شما دارند.

زبان فارسی را هم خیلی خوب صحبت می‌کنید.

فارسی سریع یاد گرفتم و هر چه می‌گذرد بهتر هم می‌شود. مشکل من این است که چون همسرم روسی بلد نیست نمی‌تواند خیلی از کلمات را برای من ترجمه کند. همسرم روسی را می‌فهمد اما نمی‌تواند خیلی خوب صحبت کند.

وقتی به بلاروس می‌روید حتماً رسانه‌ها درباره ایران از شما می‌پرسند؟

بله، من در پاسخ به آنها از ایران تعریف می‌کنم، چون واقعاً تصویری که از ایران در کشورهای اروپایی نمایش داده می‌شود واقعی نیست.

این روشنگری برای بلاروسی‌ها و دیگر خارجی‌ها نشان می‌دهد که لیلا رجبی تعصب خاصی به ایران دارد؛ تعصبی که در لباس‌هایی که مسابقه هم می‌دهید کاملاً عیان است که منقش به پرچم و حک شدن نام ایران به صورت بزرگ است و البته لاک ناخن‌هایتان در اینچئون که به رنگ پرچم ایران بود!

دوست دارم پرچم ایران بیشتر باشد و نشان ایران بیشتر باشد. برای جلب توجه نیست، دوست دارم نام ایران همه جا باشد. لباس‌هایی که به من می‌دهند اندازه من نمی‌شود و خودم لباس خودم را تهیه می‌کنم. می‌روم منیریه لباس تهیه می‌کنم و برچسب ایران را به صورت بزرگ روی لباس‌هایم می‌زنم. درباره رنگ لاک ناخنم در اینچئون هم باید بگویم در اردوی بلاروس که بودم این ایده به ذهنم رسید.

و صحبت‌تان با مردم ایران؟

تشکر می‌کنم از همه مردمی که قبل از مسابقات برای من دعا می‌کردند و خوشحالم که توانستم در بازی‌های آسیایی انتظار آنها را با گرفتن مدال برآورده کنم.

> **ورزشکاران بلاروسی که به ایران می‌آیند نظرشان عوض می‌شود. چون ایران آن چیزی نیست که فکر می‌کرده‌اند. خیلی با آنها به خوبی رفتار می‌شود و دوست دارند دوباره به ایران سفر کنند**

سوال ویژه

محجبه بودنم برای حریفانم جالب است

درباره حجاب و پوشش اسلامی که انتخاب کرده‌اید صحبت کنید.

من خیلی خوشحال هستم که با حجاب می‌توانم در مسابقات قهرمانی جهان شرکت کنم. افتخار می‌کنم یک ورزشکار مسلمان هستم که با حجاب در مسابقات شرکت می‌کنم و با این کار می‌خواهم نشان دهم که زن می‌تواند ورزشکار باشد. در حالی که برخی فکر می‌کنند که زن مسلمان حقوقی ندارد و همیشه در خانه است.

حجاب تأثیری در نتیجه رقابتتان ندارد؟ به هر حال بقیه رقیبانتان حجاب ندارند و در ظاهر کار راحت‌تری برای پرتاب وزنه در مسابقات دارند.

در برخی مسابقات به خاطر گرما شاید برخی بگویند گرمازده می‌شویم اما اینطور نیست که داشتن حجاب روی نتیجه و عملکرد ما تأثیری داشته باشد. مثلاً بگویم اگر بی‌حجاب بودم طلا می‌گرفتم اما اینطور نیست. درست است ورزشکاران دیگر شاید راحت‌تر پرتاب کنند اما من چون با حجاب تمرین می‌کنم دیگر عادت کرده‌ام و هیچ تأثیری روی رکوردم ندارد.

واکنش حریفانتان در مسابقات به حجابتان چیست؟

برایشان خیلی جالب است، می‌گویند ما اگر جای تو بودیم نمی‌توانستیم مسابقه دهیم و درست پرتاب کنیم.

بوکس رشته ورزشی مورد علاقه‌ام است!

می‌خواهیم از امروز به روزهای کودکی‌تان برگردیم، چه شد که پرتاب وزنه را انتخاب کردید؟

سیستم در بلاروس اینطور است که مربیان در مدارس استعدادیابی می‌کنند. از دانش‌آموزان تست‌های ورزشی گرفته می‌شد و چون من توانسته بودم بیشتر پرتاب کنم، برای دوومیدانی و رشته پرتاب وزنه انتخاب شدم. در بلاروس که ۱۰ میلیون جمعیت دارد، خیلی به ورزش اهمیت می‌دهند. در هر شهر یک مدرسه ورزش وجود دارد که دانش‌آموزان با استعداد دعوت می‌شوند و آنجا درس می‌خوانند و تمرین می‌کنند و این دانش‌آموزان در مسابقات زیادی شرکت کرده و به تیم‌های نوجوانان و در ادامه جوانان و بزرگسالان راه پیدا می‌کنند.

خودتان هم علاقه داشتید و فکر می‌کردید روزی پرتابگر وزنه شوید؟

اصلا فکر نمی‌کردم که روزی پرتابگر وزنه شوم. اولین مسابقه‌ای که شرکت کردم آخر شدم و این باعث شد تا تمام سعی‌ام را بکنم که اول شوم.

آخر شدن در اولین مسابقه باعث نشد تغییر رشته دهید؟

نه چون با آخر شدن تحقیر شده بودم، ادامه دادم تا جبران کنم و در این ورزش ماندگار شدم.

اولین مدالی که گرفتید یادتان است؟

در مسابقات قهرمانی شهر طلا گرفتم و برای تیم شهرستان انتخاب شدم و در ادامه در مسابقات کشور سوم شدم و در کالج ورزش در پایتخت ادامه تحصیل دادم.

اگر به رشته دوو میدانی نمی‌آمدید، به چه رشته‌ای علاقه داشتید؟

ورزش بوکس را دوست دارم اما اینکه بوکسور شوم نه ولی به این رشته علاقه دارم.